

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول :** محمد حسن روزی طب
- سرمدیر:** کمیل نقی پور
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وتوق‌کیا(فرهنگی) • آزاده سهرابی (اجتماعی)

ایران



سخن‌روز

امام‌رضاع(ع) می‌فرماید:

از ما نیست آنکه دنیای خود را برای دینش و دین خود را برای دنیایش ترک‌گوید.

(بحارالأنوار، ج ۷۸، ص ۳۴۶)



فضای مجازی

بازدید محمد معتمدی از گلابگیران زادگاهش، آموزش زبان فارسی در آرزانتین به روایت سهیل اسعد، حماقت کمندی‌وار رضا پهلوی در نزدیک شدن به رژیم اشغالگر قدس به روایت محمد چوچانی و امین فرج‌اللهی را در فضای مجازی امروز بخوانید.



این قند پارسی که به کاراکاس می‌رود

سهیل اسعد، مبلغ و مجری آرزآنتینی- لبنانی تلویزیون با انتشار عکسی از «افتتاحیه دوره آموزش زبان فارسی در کاراکاس» نوشته است: «دوستان ما بعد از برگزاری نمایشگاه فیکا (نمایشگاه دوستی ایران- ونزوئلا) در حال برنامه‌ریزی برای اتفاقات جدیدی هستند که با گذشت زمان بیشتر درباره‌اش خواهید شنید. چند روز پیش هم افتتاحیه دوره زبان فارسی برگزار شد که آقای بهرام‌جردی به عنوان استاد، کار را با دوستان ونزوئلایی شروع کردند. این دوره با همکاری بنیاد سعدی و توسط مؤسسه فیکا برگزار می‌شود.»



شیرین ترین خاطره‌تان را در شهر محمد معتمدی بسازید
محمد معتمدی خواننده مشهور کشورمان با سفر به شهر زادگاهش کاشان ویدیویی از بازدیدش از فرایند گلابگیری در این شهر منتشر کرده و با لهجه کاشانی می‌گوید در این فصل او و همشهری‌هایش کاری خواهند کرد که هر کسی به کاشان سفر کند، خاطره شیرین این سفر را هرگز از یاد نبرد. معتمدی در کنار این ویدیو نوشته است: «دربور میهمان همشهری‌های عزیزم در کاشان بودم. فصل گلابگیری کاشان رو از دست ندید. کار گلاب‌گیری من چطور بود؟»



تولد کتابی درباره تحولات قفقاز
حامد خسروشاهی، نویسنده کتاب از تولد اثر جدید خود در اینستاگرام خبر داده است: «تولد یک کتاب برای نویسنده، حکم تولد فرزند را دارد. دیدن نتیجه کار پس از مدت‌ها تلاش و نوشتن. برای من هم که سال‌هاست موضوع تحولات قفقاز را دنبال می‌کنم، انتشار کتابی که چکیده همه آنچه در این مدت گفته‌ام است، برادران جان در اندیشکده جریان جشن تولد این کتاب و نوشتن‌ها، چنین حکمی دارد. برادران جان در اندیشکده جریان جشن تولد این کتاب را در افطاری سالانه پژوهشگران دیپلماسی کشور جشن گرفتند و منی دیگر بر سر این حقیر گذاشتند. به امید جبران. کتاب «ریشه‌ها و پیامدهای جنگ قره‌باغ» ان‌شاءالله به‌زودی عرضه خواهد شد.»



رضا پهلوی، ناشی‌ترین اپوزیسیون تاریخ ایران

امین فرج‌اللهی پژوهشگر تاریخ در واکنش به دیدار رضا پهلوی با نتانیاهو و حضورش در کنار دیوار نرده نوشته است: «این روزها رسانه‌های ضدانقلاب دارند با آپ و تاب سفر رضا پهلوی به اسرائیل را پوشش می‌دهند. واقعیت آن است که این سفر هرچند یک اقدام بی‌سابقه بود، اما بیش از آنکه برای او سود داشته باشد،

به زیانش است. چهل و چند سال است که جمهوری اسلامی برپاست و گروه‌های مختلف ضدانقلاب از تروریست‌های مجاهدین خلق و کومله و دموکرات گرفته تا طیف‌های مختلف سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان و سوسیالیست‌ها علیه‌ش فعال هستند. اینها در تمام این چهار دهه علیرغم تفاوت نظر و مشی عملی‌شان، در یک خط قرمز مشترک بوده‌اند و آن «اسرائیل» است. نه اینکه با اسرائیل پیوند یا به آن تمایلی نداشته باشند؛ نه، بلکه همیشه آن را پنهان و یا انکار کرده‌اند. آخرین موردش همین سال گذشته بود که وقتی وزارت اطلاعات اعلام کرد برخی تیم‌های کومله با هدایت موساد مشغول عملیات در ایران هستند، کومله آن را تکذیب کرد…»

- بنفشه غلامی(جهان) • علی کاکا دزفولی (سیاست)
- لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهرا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرای)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول

برای مردم کشورمان جان می‌دهیم

همه‌ما هنرمندان برای مردم کار می‌کنیم. هنرمند متعلق به مردم است و برای مردمش تا پای جان می‌ایستد، کم‌اینکه واقعاً آقای مبارکه به خاطر کار و برای مردم جانش را از دست داد. تلخ‌تر از آن، این است که جلسه آخر حضور آقای مبارکه در سریال‌مان بود که این اتفاق افتاد و ایشان به کرونا مبتلا شدند. من خودم هم در آن دوران مبتلا شدم. بیاد می‌آید از انجمن بازیگران خواهش کردم و گفتم ما چند آدم دیگر باید از دست بدهیم؟! از آنها خواهش کردم که وزارت بهداشت اعلام کند به پروژه‌ها که کار را تعطیل کنند تا این بیماری فروکش کند و آمار پایین بیاید چون تهیه‌کننده‌ها نمی‌پذیرفتند. جوابی که یکی از مدیران به من داد خیلی جالب بود و این بود که «مردم در روزهای قرنطینه به سرگرمی نیاز دارند و تولیدات نمایشی نباید متوقف شود». این حرف‌ها را زدم که بگویم همه ما وارد جنگ می‌شویم، با سختی کار می‌کنیم و برای مردم کشورمان جان می‌دهیم.

بخشی از گفت و گوی منتشر شده بازنگر«آتش و باد» با ایسا

یادداشت

سواد تماشا

علاوه بر مراقبت از چشم، بینایی هم نیاز به مراقبت دارد. حتماً داستان بی‌هوشی دیباغ در بازار عطاران و معالجه‌اش با بوی سرگین سگ را در دفتر چهارم منوی معنوی به خاطر دارید. همان‌طور که شامه به بوی بد عادت می‌کند و با بوی بد، خراب می‌شود، بینایی هم با آلودگی‌های بصری مدام در خطر آسیب و نابودی است و نیاز به تقویت مستمر دارد. تولید و بمباران انبوه عکس، یکی از منابع آلودگی چشم و بینایی در عصر حاضر است. نمی‌توان حدس زد که در هر لحظه چقدر عکس تولید می‌شود و چقدر از این عکس‌ها در معرض دیدن قرار می‌گیرند. اگر عکس‌ها را در ترکیب دو عنصر موضوع و عکاسی به چهار دسته ممکن تقسیم کنیم:

- موضوع زشت، عکاسی بد
- موضوع شنگ، عکاسی خوب
- موضوع قشنگ، عکاسی بد
- موضوع زشت، عکاسی زیبا

قشنگ می‌تواند یک تعبیر عامیانه در مقابل زیبایی در یک تعریف تخصصی فرض شود. قطعاً دیدن عکس‌های دسته اول به کار مراقبت بینایی نمی‌آیند. شرط مؤثر بودن سه دسته دیگر هم این است که بیننده با درکی از بار مفاهیم قراردادی و ذاتی کلمه‌های قشنگ و خوشگل و زشت و زیبا، متوجه مراتب آنها شده و بتواند میان قشنگی موضوع و زیبایی عکاسی تفاوت قائل باشد. مثلاً یک شاخه گل، منظره جنگلی، حیات وحش و یک معماری تاریخی به عنوان موضوع عکاسی البته قشنگ و جذاب است. اما ممکن است عکسی که از این موضوعات ثبت می‌شود از نظر فنی؛ اعم از نور، رنگ، قاب، وضوح، زاویه دید و… مقبول تا غیرقابل قبول بوده یا از نظر کاسی، زیبا باشد یا نباشد. برعکس ممکن است عکسی از یک موضوع نامطلوب مثل جنگ، بلایای طبیعی و چهره خشن یک تنه‌کار در نهایت زیبایی عکاسانه ثبت شده باشد. در واقع زیبایی هنری مربوط به نگاه هنرمند بوده و امری مستقل از موضوع محسوب می‌شود. هر موضوع نادر یا هر عکس عجیبی هم نمی‌تواند شایسته لقب زیبایی باشد.

اگرچه چشم نوازی هر کمسی می‌تواند احساسی از لذت تولید کند، اما ارزش‌های هنری هر کدام از این عکس‌ها نسبت مستقیم با زیبایی عکاسانه دارد.

اگر بخواهیم دقیق‌تر و حرفه‌ای‌تر به این بحث بپردازیم، لازم است؛ دستیابی به اصول زیبایی شناختی عکاسانه را - به عنوان یک پدیده متعالی هنرمندانه - از رعایت مبانی و اصول فنی عکاسی جدا کنیم؛ یعنی بپذیریم هر عکسی با به کار گرفتن مسائل فنی و قواعد مهارتی، الزاماً به خلق یک اثر هنری منجر نمی‌شود. یک عکس می‌تواند از نظر فنی و قواعد کلاسیک ترکیب بندی و… ماهرانه و در نهایت کمال به ثبت رسیده باشد اما همچنان به عنوان یک اثر هنری مورد پذیرش قرار نگیرد. سواد خواندن عکس یک مهارت ضروری در جهان معاصر محسوب می‌شود. پس با تعدیه بهره‌ها از گاهانه تصویری، برای چشم‌ها و آنچه می‌بیند، احترام کافی قائل باشیم.

پیشنهاد

چوبک، عرق مبارزه (ژانرمحمد) را به پیشانی خواننده می‌نشاند

نه رمان «تنگسیر» نیازی به معرفی دارد و نه صادق چوبک. چنان‌که ماجرای سلحشورانه مقاومت دلبران تنگستان به رهبری رژیسعلی دلوری در برابر انگلیسی‌ها در تاریخ جمعی ایرانی‌ها ثبت است. ویژگی‌های مختصر به قدر زیادی، این مشهورترین اثر چوبک را از سایر آثار او متمایز می‌کند اما چیزهای دیگری هست که بیش از این «تنگسیر» را در پیشانی ادبیات معاصر ایران با تاریخ و اجتماع آن، قرار می‌دهد. محور رمان، شخصیتی ارمان‌گرا، مبارز و دیندار است که تصمیم دارد از حق خود کوتاه نیاید. رمانی که سال ۱۳۴۲ منتشر شده و بدون تردید تحت تأثیر اولین سال‌هایی است که ملت ایران در حال بازیابی پتانسیل‌های دینی و مذهبی درون خود برای مبارزه با استکبار داخلی و استعمار خارجی است. چوبک هرچند در این دوره، در سال‌های پختگی دهه پنجم زندگی خود است و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و اوج سال‌های فعالیت حزب توده را هم از سر گذرانیده و به چشم دیده است، اما با پرداختن به چنین قهرمان مثبت و سفیدی در دایره گفتمان مذهبی‌گویی طعم جدیدی از ادبیات دوره خود را به مخاطب نشان می‌دهد و به توده‌های مردم نزدیک‌تر می‌شود. قهرمانی که با زیان روزه در ماه رمضان در اوج گرمای تابستان دم کرده بوشهر، هنوز خاطره جوانانی را که در تنگستان برای پایین کشیدن پرچم انگلستان از دست داده‌ایم، از ذهن خود ننشسته و با همان روحیه در پی احقاق حق خود به پای می‌خیزد. با این تفاوت که این جدال رنگ درون‌گروهی به خود گرفته و آدم‌های آن دیگر تنها استعمارگران انگلیسی نیستند و می‌توانند همشهری‌ها و هموطن‌های خود قهرمان باشند.

«تنگسیر» داستان مبارزه قهرمانان خسته اما برخاسته از گفتمان مذهبی است. این مسأله در سال‌هایی که رمان منتشر شده، لایذ حامل پیامی دوگانه بوده است. اول معطوف به سایر گروه‌های پرتحرک مبارز که ریشه در تفکرات دیگر مانند چپ و توده یا راست و ملی‌گرا دارند و حالا گفتمان مذهبی را هم باید به عنوان رقیب یا مکملی در کنار خود احساس کنند، دوم پیامی معطوف به توده‌های مذهبی که غالباً هنوز نسبت به پتانسیل مبارزاتی دین خود آگاه نیستند و تقدیرگرایی و خودگی و ناامیدی از حصول نتیجه بر هسته پرشور مذهبی‌شان برده انداخته است.

اما حالا با گذشت چند دهه از مشروطه و تماشای مبارزات منتهی به اعدام افرادی چون شیخ فضل‌الله نوری، حضور مؤثر روحانیونی چون مدرس در مجلس شورای ملی، نقش غیرقابل انکار افرادی چون آیت‌الله کاشانی در ملی شدن صنعت نفت و در آخرین مورد به با خاستن روحانی جوان و مضممی چون روح‌الله خمینی در برابر محمدرضا پهلوی، خودآگاهی تازه‌ای در درون توده‌های مذهبی آرام آرام ریشه دوانده است.

صادق چوبک شاید حتی بدون آنکه به این جریان تعلقی جناحی داشته باشد، به‌عنوان تماشاگری صادق به روایت چیزهایی می‌شنید که از نزدیک در میان مردم شهر خود بوشهر، شاهد آن بوده است. نوشتن از قهرمانی به اندازه «ژانرمحمد» سفید، کار هر نویسنده‌ای نیست. زیر اگر امروز باشد حتماً نویسنده او را خاکستری‌تر جلوه می‌دهد. تنها اعتماد به نفس بازتاب دادن واقعیت است که نویسنده و مخاطب را وادار به پذیرفتن چنین شخصیتی می‌کند. بازخوانی رمان «تنگسیر» به قلم پرتوان چوبک با توصیفات جزئی اما غیرزائد که تأثیری جذاب بر تصویرسازی و فضاپردازی برای مخاطب دارند، در روزهای پایانی ماه رمضان طعم دیگری دارد؛ طعمی که خاطره مبارزات مردمی آشنا را در سال‌های دور و نادیده برای خواننده زنده می‌کند و با ادبیات پرکشش چوبک، او را به درون تاریخ یک ملت، فرومی‌مکد.



هر که عیب دگران پیش تو آورد و شرد بی‌گمان عیب توپیش دگران خواهد برد

یکم اردیبهشت روز بزرگداشت سعدی در ایران

دعای روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ عَشْنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَأَرْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَ العِصْمَةَ وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَابِ النِّهْمَةِ يَا رَحِمَا عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِينَ

خدایا در این ماه با رحمتت فروگیر و توفیق و خود نگهداری نصیبم کن و از تیرگی های تهمت دلم را پاک گردان، ای مهربان به‌بندگان با ایمان.

نشر

جستارهایی پیرامون آیین نشر

چرا ناشر باید کتاب خودش را معرفی کند؟

شاید خیال کنیم نویسنده است که می‌داند چه بر کنایش گذشته و چه فرایندی در رسیدن این کتاب از ایده تا محصول به دست مخاطب طی شده است. درستش این است که هیچ‌کس بیش از ناشر از زیر و بم کتابی که درمی‌آید خبر ندارد. ناشر حرفه‌ای می‌داند آن کتاب دقیقاً چیست و چطور به چاپ رسیده است، اما آیا دانستن اینها فایده‌ای هم دارد و جایی هم بیان می‌شود؟ عجالتاً پاسخ هر دو پرسش مثبت است و باید گفت در دنیای حرفه‌ای نشر مرسوم است ناشر جایی توضیح دهد این کتاب چیست و چرا زحمت تولید، چاپ و نشرش را کشیده‌ایم. اصلاً ضرورت وجود چنین توضیحاتی از جانب ناشر بود که بخش «مقدمه ناشر» را به صفحات ابتدایی کتاب‌ها چسباند؛ مقدمه‌ای که رو به ابتذال گذاشت و به مرور کم‌رنگ و بی‌اِرج شد و شاید بهتر باشد بگوییم هیچ‌وقت آنگونه که باید پررنگ نشد و ارزشی نیافت، چون بیش از آنکه توضیح و تبیین چیرستی کتاب باشد، اصرار خودپسندانه‌ای در اِهمیت و کیفیت کتاب است. شده تعریف عطار از مشک! معمولاً ناشران طوری در مقدمه از خود و کتاب می‌نویسند که گویی با انتشار آن کتاب شاخ غول را شکسته‌اند و مشکلات عالم را در آن حوزه شناخته و برطرف کرده‌اند. یعنی با این کار ناشر، توضیحات محصول هوا می‌شود و خلاص؛ خبیر! این‌طوری نبوده و نباید هم باشد. ناشران باید چیزی درباره این موضوعات و مفاهیم به دست مخاطب برسانند، حالا مقدمه ناشر نشد، از راه دیگری: آن هم در روزگاری که با تنوع رسانه‌ای و پیدایش فرم‌های نوین می‌توان راه‌های تازه‌ای را امتحان کرد تا کتاب را به یک گام به مخاطب نزدیک‌تر کرد؛ مخاطبی که دوست دارد بداند یا بهتر است بداند ناشر در فرایند تدوین و تولید هر کتاب به چه مسائلی توجه داشته و چه کارهایی برای کیفی‌تر شدن آن کرده است. کنایفروشی که دوست دارد بداند دقیقاً مشتری کتاب چیست و به درد چه آدم‌هایی می‌خورد. مرزونیس و منتقدی که می‌خواهد بداند هدف و رویکرد نویسنده و ناشر را درآوردن آن چیست. والدینی که دوست دارند بدانند متن کتاب را چگونه برای فرزندشان بخوانند و عکس‌ها و تصویرسازی‌هایش را چطور توضیح دهند.



در دنیای

حرفه‌ای نشر

مرسوم است

ناشر جایی

توضیح دهد

این کتاب

چرا زحمت

تولید، چاپ

و نشرش را

کشیده‌ایم.

اصلاً ضرورت

وجود چنین

توضیحاتی از

جانب ناشر

بود که بخش

«مقدمه

ناشر» را به

صفحات

ابتدایی

کتاب‌ها

چسباند



موزه میراث روستایی کیلان اولین اکو موزه ایران است. این موزه در مساحت حدود ۲۶۳ هکتار زمین با مجموعه‌های مختلف ازعماری قدیم سراسر نقاط کیلان بنا شده است. هدف موزه میراث روستایی کیلان، نهادن انتقال بناهای روستایی نیست، بلکه حفظ فرهنگ بومی، فن ساخت و دانش نانوشته‌ای است که در روستاهای کیلان وجود داشته است. خبرگزاری اینا، گزارش تصویری از این موزه منتشر کرده است.